

فاصله ها

از محمود صاعی پور

می گذرد از نظرم، سوی بقا، قافله ها

من و اسباب فنا، مانده و از دل فاصله ها

صاحب درد بداند، روی زمین فاصله ها

نیست در هیچ جای بقا، اینچنین فاصله ها

من چسان پر کشم زین بُعد فلک افلاکی

تا شوم زین حسیض، در محضر اهل سما

گویند مرغ باغ ملکوتم، حال در قفس

افتاده این مرغ، در این عرصه گه فاصله ها

رفتن اهل سما، سخت پریشانم کرد

من ماندم و تنها در این دیر، ز محبوب جدا

معنی روی زمین نیست، جزء رویت

این همه فاصله ها، فقر و غنا، شاه و گدا

فاصله هاست بین فقر و غنا، شاه و گدا

بین محظوظ و محروم و محزون و اهل جفا

سراسر اهل زمین را چنین درد گرفت

اندکی طالب حقند، چه بسیار بدنبال گناه

روز و شب چشم بدوزم به ژرفای فلک

طالب مطلوب رفته كجا ومن خاكي به كجا؟

آنچه بر ما گذشت، قلم صنع نبود

باید کسی فهم کند، ترك جفا، حفظ بقا

همه ظلم ها كه بر ما به كرات شده

نی ز بیگانه شده، بلکه ز ما گردیده روا

"محمود" اگر طالب یاری، هشیار بشو

ورنه نتوان كه كني طی، تواین فاصله ها

مورخ : 85/02/04